



صورت جلسه ماه فوریه

جشن نوروز - جلسه ماه فوریه کلاً اختصاص به بررسی و بحث در باره جشن نوروز ۱۳۹۰ داشت در ابتدا مسئول هیئت مدیره انجمن توضیحات کامل و مفیدی در باره مکان‌های دیده شده به وسیله هیئت مدیره، در مدت اخیر داد و خاطرنشان کرد که در نهایت و با موافقت اکثریت افراد هیئت مدیره، سالن رستوران JET SET واقع در قلب پاریس در بهترین منطقه شهر و این بار جشن همراه با شام و با قیمت نازل در نظر گرفته شده است. در مقابل این نوآوری هیئت مدیره و انتخاب سالن یک رستوران همراه با شام برای برگزاری جشن نوروز، تعدادی از اعضای انجمن به ترتیب سئوالاتی در باره نحوه برگزاری جشن، ظرفیت سالن، مدیریت سالن، کیفیت غذا، موزیک و پارکینگ و غیره از هیئت مدیره کردند که تمامی سئوالات را افراد هیئت مدیره به خوبی و کامل پاسخ دادند و بنا شد تمامی مراسم و برنامه‌ها در جشن نوروز مثل هر سال (حاجی فیروز، عمو نوروز، هفت سین، رقص‌های محلی و غیره) برگزار شود. البته یکی دو نفر از اعضا کلاً مخالف برگزاری این نوع جشن نوروز هستند و بیشتر تمایل به حالت سنتی آن، که تا به حال برگزار می‌شده، دارند. اما با توضیح مابقی اعضا پیشنهاد شد که بهتر است این حالت جشن نوروز یعنی جشن همراه با شام از طرف رستوران نیز یکبار امتحان شود تا نتایج آن تجربه شود و چه بسا که در سالهای آینده از این نوع تجربه استفاده مفید انجام بگیرد.

یادآوری آئین نامه داخلی انجمن - ناگفته نماند که برطبق آئین نامه داخلی انجمن (صفحه ۷ بند ۶) از وظایف هیئت مدیره، برگزاری مراسم جشن نوروز می‌باشد و تنها هیئت مدیره انجمن است که مسئول تعیین و انتخاب مکان و زمان برگزاری مراسم جشن نوروز می‌باشد.

در رابطه با بالا بردن کیفیت جلسات انجمن و مفیدتر شدن هرچه بیشتر بحث‌های حاصل، لازم به تذکر است که به علت محدود بودن وقت جلسه، اعضای محترم سعی کنند که مطالب خود را جمع‌بندی کرده و در یک نوبت آنرا مطرح کنند تا وقت به افراد دیگر نیز برسد و همچنین همکاران عزیز در نظر داشته باشند که بحث باید در محیط آرام و دوستانه و با آرامش همراه باشد و ایجاد جو تشنج و توهین و ناسزاگوئی در سطح انجمن به هیچ دلیل مجاز نیست. در اینجا مجبور به یادآوری دو اصل ۶ و ۷ موارد انضباطی از آئین نامه داخلی انجمن هستیم:

اصل ۶ - توهین و ناسزاگوئی در سطح انجمن به هیچ دلیل و بهانه‌ای مجاز نیست. متخلفین در سه جلسه متوالی حق اظهار نظر نخواهند داشت.

اصل ۷ - کسانی که به هیئت مدیره توهین کنند تا پایان دوره آن هیئت مدیره حق اظهار نظر در جلسات را نخواهند داشت. امیدواریم که همچنان که تا به حال این وضعیت در چند سال اخیر در سطح جلسات ماهانه انجمن رخ نداده است در آینده نیز شاهد این مسائل نباشیم و هیئت مدیره خواستار همکاری هرچه بیشتر کلیه اعضا انجمن و همکاران محترم می‌باشد. با آرزوی موفقیت.

هیئت مدیره

تاریخچه ۸ مارس (روز جهانی زن)

روز ۸ مارس ۱۸۵۷ در آمریکا، زنان کارگر نساجی و پارچه‌بافی نیویورک، برای افزایش دستمزد و پائین آوردن ساعات کار، دست به اعتصاب و تظاهرات عظیمی زدند که با حمله پلیس درهم شکست و شمار زیادی از زنان اعتصابی کشته، زخمی، دستگیر و زندانی شدند. این روز نقطه عطفی در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه زنان و مبارزات حق طلبانه آنان در سطح جهان است. حزب سوسیالیست آمریکا، در ۲۸ فوریه ۱۹۰۹، یعنی پنجاه و دو سال بعد، برای گرامی داشت این رویداد، مراسمی برگزار کرد و بدین سان مبارزات زنان به حلقه دیگر مبارزات اجتماعی پیوست. صد سال پیش، در اوت ۱۹۱۰، در کنفرانس بین المللی دوم سوسیالیستی زنان، که در شهر کپنهاگ دانمارک با شرکت صد تن از نمایندگان سازمان‌ها و احزاب زنان از هفده کشور دنیا برگزار شد «کلارا زتکین»، زن مبارز و انقلابی نامدار و یکی از رهبران حزب سوسیالیست وقت آلمان، تعیین یک روز را بعنوان «روز جهانی زن» و شاخص مبارزات زنان و نمونه‌ای الهام‌بخش پیشنهاد کرد. وی قطعنامه‌ای چهار ماده‌ای جهت کسب حقوق زنان به کنفرانس ارائه داد که مفاد آن عبارت بودند از:

- مبارزه برای حق رأی زنان
- مبارزه علیه خطر جنگ
- مبارزه برای تأمین حقوق مادران و کودکان
- مبارزه علیه تورم و گرانی

این کنفرانس، موفق شد روز ۱۹ مارس را موقتاً به عنوان «روز جهانی زن» برای سال ۱۹۱۱ تصویب کند اما تعیین تاریخی قطعی به بعد به موکول شد.

متعاقب این کنفرانس و بنا بر تصمیم آن، ۱۹ مارس ۱۹۱۱، راهپیمایی قدرتمند زنان در کشورهایی چون اطریش، سوئیس، دانمارک برگزار شد. در اطریش، نیروهای پلیس، در این روز به هزاران تظاهرکننده حمله کردند.

در سال ۱۹۱۳، دبیرخانه زنان انترناسیونال سوسیالیستی، و همچنین در سال ۱۹۲۱ بار دیگر، کنفرانس بین المللی سوم زنان سوسیالیست، روز ۸ مارس را به یاد مبارزات زنان نساج در آمریکا به عنوان «روز جهانی زن» تصویب کردند و از این تاریخ، جنبش زنان، یکی از جنبش‌های مهم اجتماعی علیه نظام مردسالاری حاکم بر جهان به شمار می‌آید. تعیین یک روز بعنوان «روز جهانی زن»، تأکیدی بر جهانی بودن مبارزات زنان و جهانی بودن نظام ستم بر زن است. گرچه با توسعه صنعتی جهانی و مبارزات مداوم و حق طلبانه، زنان موفق به کسب بسیاری از حقوق قانونی خود شده‌اند ولی موقعیت آنان همچنان در درجه دوم قرار دارد. از طرف دیگر زنان اولین قربانیان رکود و بحران اقتصادی جوامع

پیشرفته و در حال توسعه هستند. در دوران جنگ‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه‌ی مهم نیز، زنان همچون کودکان و سالمندان، در شمار بزرگترین قربانیان جنگ و خرابی‌های ناشی از آن می‌باشند. این تناقضات و مصائب، مسئله زن را حادثه و مبارزات جهانی‌بخش زنان را به مسائل پیچیده‌تر اجتماعی روبرو کرده و تأثیرات مهمی بر مبارزات آنان در سراسر جهان می‌گذارد. جمعی از زنان انجمن تاکسیران

XXXXXXXXXX

روز جهانی زن را به کلیه زنان به ویژه همکاران گرانقدر و زحماتش تبریک گفته و برایشان آرزوی موفقیت در تمام شئون زندگی بخصوص دستیابی به حقوق برحق اجتماعی را داریم. هیئت مدیره و هیئت تحریریه انجمن تاکسیران پاریس

XXXXXXXXXX

فلسفه سفره هفت‌سین

هفت سین به معنای هفت قلم شیئی که نام آنها با حرف «س» (سین) آغاز می‌شود، یکی از اجزای اصلی آیین‌های سال نو است که پیشینه‌ی ایرانیان آن را برگزار می‌کنند. این اقلام سنتاً در سفره‌ی هفت سین چیده و به نمایش گذاشته می‌شوند و این سفره‌ای است که هر خانواده‌ای بر روی زمین (یا بر روی میز) در اتافی که معمولاً به میهمانان گرامی اختصاص داده شده می‌گسترند و این اقلام بر روی آن قرار داده می‌شود:

در بالای سفره (در دورترین فاصله از در) آینه‌ای گذاشته می‌شود، که در دو طرف آن شمعدان‌هایی دارای شمع نهاده شده (سنتاً مطلقاً با شمار فرزندان خانواده)، در پایین آن نسخه‌ای از قرآن (از شاهنامه یا دیوان حافظ نیز استفاده می‌شود)، تنگی که معمولاً حاوی یک ماهی رنگی (بسیاری از خانواده‌ها یک کوزه آب باران را که قبلاً جمع‌آوری شده و یا کله‌آبی که حاوی برگ سبز انار، نارنج یا شمشاد است نیز می‌افزایند)، ظرف‌های حاوی شیر، گلاب، عسل، شکر و (۱، ۲، ۳، ۴ یا ۵ عدد) تخم‌مرغ رنگ‌آمیزی شده گذاشته می‌شود. مرکز سفره عموماً با گل‌دانی از انواع گل‌ها، معمولاً سنبل و شاخه‌های بیدمشک فرو گرفته می‌شود کنار آن، سبزه و دست کم شش قلم دیگر که با حرف سین آغاز می‌شوند (تشریح شده در زیر)، ظرفی حاوی میوه (سنتاً سیب، پرتقال، انار و به)، چند نوع نان (اغلب شیرین)، ملست و پنیر تازه، شیرینی‌های گوناگون، آجیل (مخلوط خشک و بوداده شده‌ی تخم‌های نخودچی، خربزه، گندم برشته، برنجک و فندق و گردو، که همگی با کشمش آمیخته شده‌اند) قرار داده می‌شود.

چیزهایی که با «س» آغاز می‌گردند و بر سر سفره جای می‌گیرند معمولاً عبارتند از:

۱ - سبزه، یعنی، گندمی (یا جو، گاهی نیز عدس) که به بلندی چند اینچ درون قطعه‌ی پارچه‌ی سفید نازک پیچانده شده به گرداگرد کوزه‌ای گلی روئیده است (امروزه سبزه در

می رفتند و بر سر خوان نوروز خود، سینی‌هایی دارای هفت شاخه گیاه (گندم، جو، برنج و غیره) و یک گرده نان درست شده از هفت گونه غله می گذاشتند. ولی تفاوت‌های بنیادینی میان آن سفره و سفره‌ی هفت سین امروزی دیده می شود.

کهن ترین اشاره‌ای که به چیده شدن سفره‌ی هفت سین شده، ارجاعی ناستوار است به یک دست نوشته‌ی کهن پارسی، منسوب به دوران صفوی و مورخان سده‌ی ۱۹ در گزارش‌های خود از آیین‌های نوروز کمتر به این رسم اشاره نموده‌اند. تنها Heinrich Brugsch، که در ۱۸۶۰ در تهران بود و جشن نوروز را با برخی جزئیات آن شرح داده است، ادعا می کند که ایرانیان با کاشتن گل‌هایی با نام‌های آغازشونده با حرف «س» در باغ‌های‌شان به پیشواز جشن ملی‌شان می‌روند. شاید بتوان ریشه‌های این آیین نغز را در باورهای کهن ایرانیان باستان باز جست و تا اندازه‌ای به آن دل استوار بود. اگر کلیت سفره‌ی هفت سین را بپذیریم پس آن را با امشاسپندان در پیوند خواهیم دید. گستراندن سفره‌ی هفت سین در شب نوروز و رواج این باور که روان مردگان بر آن فرود می آیند و در آن انبار می شوند، آشکارا آن را با جشن روان‌ها (فروردینگان) همپیوند می گرداند:

شیر: گاو و وهومنه/بهمن

شمع‌ها: آتش پاک و اشته وهیشته (اردیبهشت)

سکه‌ها: ثروت و خشره ویریه (شهریور)

سنبل: هم هئوروات (خرداد) و هم امرتات (امرداد)

بیدمشک: آرمیتی / سپندارمذ، چنان که سپند (اسفند)

آب باران: ایزد بانوی اناهید

سمنو: که برای سفره کاملاً بایسته است و آن چنان نیروبخش قوای جنسی دانسته می شود که برخی آن را «نیروی رییس خانواده» می خوانند، می بایست به اناهید منسوب باشد، چرا که سمنو را تنها زنان تهیه می کنند.

ماهی: کر Kara، که در دریای اسطوره‌ای وئوروکشه Vourukasha می‌زیید و جانوران زیان بار را می‌زداید.

سین‌های باستانی - سفره‌ای است که ایرانیان هنگام نوروز می‌آریند. این هفت قلم «سین» می‌توانند هر چیزی با آوای آغازین «سین» باشند (نمادی از «سینتا»). برای مثال این هفت قلم «سین» بسیار رایج هستند:

سبزه - نماد نوزایی (تولد دوباره)

سیب - نماد زیبایی و تندرستی

سمنو - نماد فراوانی (برکت)

سیر - نماد پزشکی (درمان یا طب)

سنجد - نماد عشق

سکه - نماد دارایی

سرکه - نماد شکیبایی و عمر

سماق - نماد (رنگ) طلوع خورشید

سنبل

یک ظرف سفالین کم گود رویانده می‌شود).

۲ - سپند (اسفند)، تخم سداب کوهی که اغلب در یک بخورسوز گذاشته و درست پس از آغاز سال سوزانده می‌شود.

۳ - سیب، پیش تر یاد شد.

۴ - سکه، چند عدد سکه‌ی نو.

۵ - سیر (سابقاً همراه با ریشه‌هایی که برای شباهت دادن به شرابه‌های رنگین، قرمز رنگ می‌شدند).

۶ - سرکه.

۷ - یک کاسه سمنو (شیرازی‌ها و کردها سمنی می‌گویند).

این فقره‌ی آخر بدین شیوه تهیه می‌شود: مقدار مناسبی گندم برای سه روز در آب (ترجیحاً آب بارانی که برای این منظور فراهم شده) خیسانده می‌شود و سپس بر روی یک سینی فلزی پهن گردیده و با پارچه‌ای سفید پوشانده می‌شود. هنگامی که گندم اندکی روید، بر روی تخته‌ای سنگی یا چوبی خرد و بعد درون هاون کوبیده می‌شود و شیرابه‌ی آن با آب داغ، روغن و آرد مخلوط گردیده و همه‌ی آن به وسیله‌ی زنان (هیچ مرد بالغی مجاز به مشارکت در این فرایند نیست) به آهستگی پخته می‌شود (اغلب یک شب کامل صرف آن می‌گردد)؛ نتیجه‌ی کار یک خمیر غلیظ، شیرین و به رنگی مایل به قرمز است، که بخشی از آن برای سفره‌ی نوروز کنار گذاشته می‌شود و باقی آمده‌ی آن در میان همسایگان پخش می‌شود، که آنان نیز ظرف حاوی سمنو را همراه با یک یا چند عدد تخم‌مرغ رنگ شده یا برگی سبز باز می‌گردانند.

چند نکته را باید پیرامون سفره هفت‌سین گوشزد نمود:

۱ - به وارونه‌ی نام سفره‌ی هفت‌سین، همواره چیزهای دیگری که با «س» آغاز نمی‌شود بر سر این سفره گذاشته می‌شود. همچنین میتوان گفت که همواره شمار چیزهای سین‌دار بر سر سفره، بیش از ۷ می‌شود و کمابیش سنجد، سماق، سوهان، سیاه‌دانه و سرمه نیز بر خوان هفت سین گذاشته می‌شود.

۲ - این سفره تنها ویژه‌ی نوروز نیست. در بسیاری جاها این سفره در آیین‌های عروسی چیده می‌شود. در برخی جاها نیز در شب چله، چنین سفره‌ای برپا می‌گردد. در بخشی از کاشان، این سفره در جشن اسپندی، در ۲۵ بهمن، برابر با روز نخست اسفند در گاهشماری رسمی، چیده می‌شود.

۳ - شماری از مردمان آریایی‌نژاد و اقوام ایرانی زبان که سهم بزرگی در گستره‌ی پهناور فرهنگ ایرانی دارند چنین سفره‌ای با این ویژگی‌ها، در آیین نوروزی خود فراهم نمی‌کنند. حتی محافظه‌کارترین قشرهای پاسدارنده‌ی آیین‌های ایرانی نیز دارای چنین رسمی نیستند. هر آینه چندیست که به آرامی این آیین در میان ایشان نیز رواج یافته است.

۴ - می‌دانیم که در زمان فرمانروایی ساسانیان، مردم با رویاندن هفت‌گونه تخم بر روی هفت ستون به پیشواز نوروز

افسانه عمو نوروز و حاجی فیروز

عمو نوروز و حاجی فیروز اصلاً فرعی نیستند، خیلی هم اصلی اند. داستان عمو نوروز، داستانی عاشقانه است. عمو نوروز منتظر زنی است. آنها می خواهند با هم ازدواج کنند. این داستان می تواند به آن ازدواج مقدس الهه و شاه مربوط باشند. در واقع آن زن بی نام (سال) عاشق عمو نوروز است و آن الهه هم عاشق شاه است. عمو نوروز نماد کسی است که برکت می دهد، حالا شاه یا هر کس دیگر و آن زن هم منتظر عمو نوروز است.

معمولاً زن همیشه با زمین هم هويت است، جز در بعضی از اساطیر مصری که زمینش مذکر است، معمولاً زن و زمین یکی هستند.

الهه که عاشق شاه است، او را انتخاب می کند و آن زن عاشق (سال) هم عمو نوروز را برمیگزیند.

دیدار زن و عمو نوروز اتفاق نمی افتد. زن هیچوقت در زمان عمو نوروز بیدار نیست، آن قدر خانه را رفته و رویده و کار کرده که خوابش برده. زن صاحب خانه است و مرد مسافر، و این سفر همیشه ادامه دارد. اما داستان حاجی فیروز بسیار جدی تر و مهم تر است. مرحوم مهرداد بهار حدس زده بود که سیاهی صورت حاجی فیروز باید مربوط به بازگشت او از دنیای مردگان باشد. ظاهراً داستان از این قرار است که «یشتر» که همان الهه تموز است، شاه - دوموزی - را برمیگزیند. یک روز الهه به زیر زمین می رود و با ورود الهه به زیر زمین، در روی زمین باروری متوقف می شود. نه دیگر درختی سبز می شود و نه دیگر گیاهی هست. خدایان که از ایستایی جهان ناراحت بودند، برای پیدا کردن راه حل جلسه می کنند و قرار می شود که نیمی از سال را «دوموزی» به زیر زمین برود و نیم دیگر سال را خواهر دوموزی که «گشتی ننه» نام دارد، به جای برادر به زیر زمین برود. وقتی دوموزی را به زیر زمین می فرستند، لباس قرمز تنش می کنند و دایره، دنبک، ساز و نی لبک دستش می دهند و این یعنی خود حاجی فیروز. صورت سیاهش هم مربوط به بازگشت از دنیای مردگان است و این شادمانی ها برای بازگشت دوموزی از زیرزمین است.

همه می دانیم حاجی فیروز طلایه دار عید نوروز است، اما اکثر ما از داستان شکل گیری این اسطوره بی خبریم.

دکتر کتابون مزدپور استاد زبان های باستانی و اسطوره شناس گفته است زنده یاد دکتر مهرداد بهار سال ها پیش حدس زده بود سیاهی صورت حاجی فیروز به دلیل بازگشت او از سرزمین مردگان است و اخیراً خانم شیدا جلیلووند که روی لوح اکدی فرود ایشتر به زمین کار می کرد، به نکته تازه ای پی برد که حدس دکتر بهار و ارتباط داستان بنیادین ازدواج مقدس با نوروز و حاجی فیروز را تأیید می کند.

دکتر مزدپور می گوید: «نوروز جشنی مربوط به پیش از آمدن آریایی ها به این سرزمین است لاقلاً از دو سه هزار سال

قبل این جشن در ایران برگزار می شده و به احتمال زیاد با آیین ازدواج مقدس مرتبط است. تصور می شده که الهه بزرگ، یعنی الهه مادر، شاه را برای شاهی انتخاب و با او ازدواج می کند.»

دکتر صنعتی زاده این الهه را «ننه» یا «ننه خاتون» نام داده، معادل سومری آن «نانای» و معادل بابلی و ایرانی آن «یشتر» و «ناهیتا» است. تا آنجا که می دانیم این الهه خدای جنگ، آفرینندگی و باروری است.

دکتر مزدپور داستان این ازدواج تصادفی و اسطوره ای را که بنیادی ترین نماد نوروز است چنین شرح داد: «ننانا یا ایشتر که در بین النهرین است عاشق «دوموزی» یا «تموز» می شود (نام دوموزی در اوستا تموز است) و او را برای ازدواج انتخاب می کند.»

تموز یا دوموزی در این داستان نماد شاه است. الهه یک روز هوس می کند که به زیر زمین برود. علت این تصمیم را نمی دانیم. شاید خودش الهه زیر زمین هم هست. خواهری دارد که شاید خود او باشد که در زیر زمین زندگی می کند. اینانا تمام زیورآلاتش را به همراه می برد. او باید از هفت دروازه رد شود تا به زیر زمین برسد. خواهری که فرمانروای زیر زمین است، بسیار حسود است و به نگهبان ها دستور می دهد در هر دروازه مقداری از جواهرات الهه را بگیرند.

در آخرین طبقه نگهبان ها حتی گوشت تن الهه را هم می گیرند و فقط استخوان هایش باقی می ماند. از آن طرف روی تمام زمین باروری متوقف می شود. نه درختی سبز می شود، نه گیاهی هست و نه زندگی. و هیچکس نیست که برای معبد خدایان فدیة بدهد و آنها که به تنگ آمده اند جلسه می کنند و وزیر الهه را برای چاره جویی دعوت می کنند.

الهه که پیش از سفر از اتفاق های ناگوار آن اطلاع داشته، قبلاً به او وصیت کرده بود که چه باید بکند.

به پیشنهاد وزیر خدایان موافقت می کنند یک نفر به جای الهه به زیر زمین برود تا او بتواند به زمین بازگردد و باروری دوباره آغاز شود. در روی زمین فقط یک نفر برای نبود الهه عزاداری نمی کرد و از نبود او رنج نمی کشید؛ و او دوموزی شوهر الهه بود. به همین دلیل خدایان مقرر می کنند، نیمی از سال را او و نیمه دیگر را خواهرش که «گشتی ننه» نام دارد، به زیر زمین بروند تا الهه به روی زمین بازگردد.

دوموزی را با لباس قرمز در حالی که دایره، دنبک، ساز و نی لبک دستش می دهند، به زیر زمین می فرستند. شادمانی های نوروز و حاجی فیروز برای بازگشت دوموزی از زیر زمین و آغاز دوباره باروری در روی زمین است.

داستان عمو نوروز

یکی بود، یکی نبود. پیرمردی بود به نام عمو نوروز که هر سال روز اول بهار با کلاه نمدی، زلف و ریش حنا بسته، کمرچین قدک آبی، شال خلیل خانی، شلوار قصب و گیوه تخت نازک از کوه راه

پول و تاریخچه پیدایش آن در ایران و سایر ملل

فکر اینکه چیزی مثل پول رواج داشته باشد یکی از جالبترین کارهائی است که تا به حال توسط بشر انجام گرفته، ولی خیلیها نمی دانند که این فکر از کجا پیدا شده. هزاران سال قبل پول بکار برده نمی شد. انسان در معاملات خود به ترتیب مبادله عمل می کرد به این معنی اگر کسی چیزی می خواست لازم نبود خود به تهیه آن اقدام کند بلکه کسی را پیدا می کرد که آن کالا را داشته باشد و آن را با چیز دیگری مبادله نماید. اگر دارنده کالا آنچه را که متقابلاً به او عرضه می شد، نمی پسندید دیگر کالای خود را نمی توانست بگیرد. در طول زمان اشیاء بخصوصی جای پول بکار می رفت زیرا همه کس حاضر نبودند اشیاء را برای مبادله بگیرند. بنابراین در ابتدا انسان اول گندم را که مورد احتیاج همه بود وسیله مبادله قرار داد ولی گندم بیش از یکسال دوام نداشت و برای ذخیره خوب نبود و حمل و نقل آن هم مشکل بود. بالاخره فلز را برای این کار پسندید و از میان فلزات هم طلا و نقره را اختیار کرد که از حیث کمیابی و دوام و آسانی حمل و نقل به فلزات دیگر برتری داشت. ولی اینجا هم یک مشکل پیش می آمد و آن مسئله خالص و ناخالصی فلز و توزین آن بود که بناگزر می بایست برای هر معامله سنگ محک و ترازو به میان آورد تا اینکه بالاخره دولت ها سکه را اختراع کردند و خود ضامن وزن و عیار و ثبات بهای آن شدند تا مردم بتوانند بی دردسر پول، طلا و نقره را در مبادلات بزرگ و کوچک خود به کار برند، هر چند که در اینجا مشکل تقلب و سوهان کاری سوداگران پیش آمد و مسئله پول بد و خوب.

شرایط پول خوب هم چند چیز بود یکی آن که سره و ناسره نداشته باشد زیرا همین که دو جور پول سره و ناسره در کشور رایج می شد مردم تا می توانستند پول سره را نزد خود نگاه می داشتند و ناسره را از سر باز می کردند و در نتیجه ارزش پول مخدوش می شد. به همین دلیل دولت ها که ضامن عیار سکه های خویش بودند پول هائی را که از حیث وزن کم و کاستی پیدا می کرد گرد می آوردند و از نو سکه می زدند تا پول سره و ناسره در دست نیاشد.

تعقیب قانونی کسانی که پول قلابی ضرب می زدند و سوهان کاران سکه هم به همین دلیل بود. دیگر از شرایط پول خوب توافق ارزش واقعی و ارزش اسمی آن است. هرگاه قیمت اسمی آن از قیمت واقعی بیشتر بود خرید آن کاهش پیدا می کرد و اگر کم تر بود سوداگران آنها را به شمش تبدیل می کردند و از آنها اشیاء زرگر می ساختند و در نتیجه پول نایاب می شد و مشکلات بوجود می آمد. برای حل این مشکل بود که ضربخانه را آزاد گذاشتند تا هر کس بتواند طلا و نقره در آنجا ببرد و بر حسب قیمت آن زر و مسکوک تحویل بگیرد. در ضربخانه ها به مسکوکات یک درصد برنج و یا مس اضافه می کردند.

آهن، برنج و یا مسی را هم که برای استحکام پول به

می افتاد و عصا به دست می آمد به سمت دروازه شهر.

بیرون از دروازه شهر پیرزنی زندگی می کرد که دلباخته عمو نوروز بود و روز اول هر بهار، صبح زود پا می شد، جایش را جمع می کرد و بعد از خانه تکلی و آب و جاروی حیاط، خودش را حسابی تر و تمیز می کرد. به سر و دست و پایش حنای مفصلی می گذاشت و هفت قلم، از خط و خال گرفته تا سرمه و سرخاب و زرک آرایش می کرد. یل ترمه و تنبان قرمز و شلیته پرچین می پوشید و مشک و عنبر به سر و صورت و گیسش می زد و فرشش را می آورد می انداخت رو ایوان، جلو حوضچه فواره دار رو به روی باغچه اش که پر بود از همه جور درخت میوه پرشکوفه و گل رنگارنگ بهاری و در یک سینی قشنگ و پاکیزه سیر، سرکه، سماق، سنج، سیب، سبزی و سمنو می چید و در یک سینی دیگر هفت جور میوه خشک و نقل و نبات می ریخت. بعد منقل را آتش می کرد و می رفت قلیان می آورد می گذاشت دم دستش. اما، سر قلیان آتش نمی گذاشت و همانجا چشم به راه عمو نوروز می نشست.

چندان طول نمی کشید که پلک های پیرزن سنگین می شد و یواش یواش خواب به سراغش می آمد و کم کم خرناسش می رفت به هوا.

در این بین عمو نوروز از راه می رسید و دلش نمی آمد پیرزن را بیدار کند. یک شاخه گل همیشه بهار از باغچه می چید رو سینه او می گذاشت و می نشست کنارش. از منقل یک گله آتش برمی داشت می گذاشت سر قلیان و چند پک به آن می زد و یک نارنج از وسط نصف می کرد؛ یک پارالش را با قندآب می خورد. آتش منقل را برای اینکه زود سرد نشود می کرد زیر خاکستر؛ روی پیرزن را می بوسید و پا می شد و راه می افتاد.

آفتاب یواش یواش تو ایوان پهن می شد و پیرزن بیدار می شد. اول چیزی دستگیرش نمی شد. اما یک خرده که چشمش را باز می کرد می دید ای داد بی داد همه چیز دست خورده. آتش رفته سر قلیان. نارنج از وسط نصف شده. آتش ها رفته اند زیر خاکستر، لبش هم تر است. آن وقت می فهمید که عمو نوروز آمده و رفته و نخواسته او را بیدار کند.

پیرزن خیلی غصه می خورد که چرا بعد از آن همه زحمتی که برای دیدن عمو نوروز کشیده، درست موقعی که باید بیدار می ماند خوابش برده و نتوانسته عمو نوروز را ببیند و هر روز پیش این و آن درد دل می کرد که چه کند و چه نکند تا بتواند عمو نوروز را ببیند؛ تا یک روزی کسی به او گفت چاره ای ندارد جز یک باد بهار بوزد و روز اول بهار برسد و عمو نوروز باز از سر کوه راه بیفتد به سمت شهر و او بتواند چشم به دیدارش روشن کند.

پیرزن هم قبول کرد. اما هیچ کس نمی داند که سال دیگر پیرزن نتوانست عمو نوروز را ببیند یا نه. چون بعضی ها می گویند اگر این ها همدیگر را ببینند دنیا به آخر می رسد و از آنجا که دنیا هنوز به آخر نرسیده پیرزن و عمو نوروز همدیگر را ندیده اند.

گردآورنده: امیر



هجری بود که پول اسپانیا با نام اسپانیائی خود «ریال» راه یافت بعد از ریال می‌رسیم به واحد پولی تومان یا تومن که لغت ترکی است. کلمه تومان ره‌آورد چنگیزخان مغول پس از حمله به ایران بود که بسیاری از لغت‌های مغولی به زبان فارسی رخنه کرد این لغت مربوط به امور لشکری و سپاهی مغول است، تومان معادل امیرتومان که سر کرده یا فرمانده هزار تن بود مورد استفاده قرار می‌گرفت. البته در معاملات بانکی کلمه تومان استفاده ندارد و واحد پول رسمی ایران همان ریال می‌باشد.

در زمان پهلوی واژه پاره به معنی پول بوده اما بعدها «پاره» یا پار به معنی رشوه آمده است و ریشه آن از کلمه آپولوس یونانی که خدای ثروت و زر در یونان باستان بوده که بعدها به پول تبدیل شده است.

ریشه پول یا «money» از لغت یونانی مونیو که در زبان انگلیسی «مونی» به معنی پول از آن مشتق شده است. در زمان رومیان قدیم «بونو» الهه برحذر داشتن مردم از خطر بود و رومی‌ها بسیار از او به علت آگاه ساختن آنها از خطر ممنون بودند. «مونتا» از لغت یونانی «مونو» به معنی آگاهی می‌آید. لغت «کوئین» هم که در زبان انگلیسی به معنی سکه است از لاتین «کونیوس» به معنی سه گوشه است زیرا سکه‌هایی که در قدیم رایج بود همه سه گوش بودند.

کلمه دلار مربوط به زمانی می‌شود که پول را در ایالت «بوهم» سکه می‌زدند و دلیل آن این بود که ایالت مذکور دارای معادن نقره بود. سکه در محلی به اسم «جوچیمستال» در نواحی بوهم ضرب می‌شد. بنابراین آن را جوچیمستالر یعنی مربوط به جوچیمستال خواندند بعدها قسمت اول آن حذف شد و قسمت دوم یعنی تالر گفته شد که بعدها به دلار تبدیل شد. سنت مستقیماً از لغت فرانسوی cent به معنی صد و لغت لاتین «سنتوم» گرفته شد مقصود اینست که یک صد سنت معادل یک دلار می‌باشد.

پوند یا لیره انگلیسی از کلمه لاتین «پوندو» می‌آید که به معنی وزن می‌باشد نام کامل آن در آغاز «لیبراپوندو» یا یک پوند وزن بوده است.

پزو اسپانیائی و لیر ایتالیائی هم مربوط به اوزان معینی می‌باشند.

فرانک از کلمه پادشاه فرانک‌ها گرفته شده که برای اولین بار روی سکه‌های فرانسه ضرب شده است.

تهیه و تنظیم از داود - موفق و پیروز باشید

XXXXXXXXXX

در شناخت محیط:

خاورمیانه، منطقه پر آشوب و تاریخ‌ساز

منطقه خاورمیانه در کل به مجموعه کشورهای که بین آسیای غربی و شمال شرقی آفریقا قرار دارند اطلاق می‌شود. مساحت این سرزمین هفت میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن تقریباً ۳۱۰ میلیون نفر است که از اقوام متنوع: اعراب، ایرانی‌ها، ترک‌ها و یهودی‌ها تشکیل شده‌اند و به زبان‌های

سکه‌ها می‌زدند هم مخارج ضرب را تأمین می‌کرد و هم برای جبران پول‌های ناسره که پیدا می‌شد کافی بود.

شرط دیگر پول خوب یکسان بودن فلز آن بود تا تفاوت قیمتی که گاه میان طلا و نقره پیش می‌آید سبب نایاب شدن سکه گرانتر و کم ارزش شدن سکه ارزان‌تر نشود و به هم خوردن تعادل آن در بازار معاملات را دستخوش آشفتگی نکند لاجرم طلا را که همیشه رقیب پیروزمند نقره بود برای این منظور مناسب‌تر یافتند و تمام دولت‌های جهان پایه پولی خود را بر این فلز می‌نهادند. تا سال ۱۳۰۰ پول ایران هم سکه طلا رایج بود و هم سکه نقره، ولی میان این دو تعادل برقرار بود. ضرابخانه‌های موجود در هر شهر هم زیر نظارت دولت بودند و به ضرب سکه طلا و نقره اشتغال داشتند دولت هم مواظب بود که پول ناسره در دست نباشد و هرگاه که میزان پول سره و ناسره زیاد می‌شد دولت بی‌درنگ آن را به پول سره تبدیل می‌کرد و نمی‌گذاشت نقصی در داد و ستد مردم پیدا شود. اما در همان زمان معادن نقره آمریکا کشف شد و محصول آن تعادل بهای طلا و نقره را چنان به هم زد که قدرت خرید پول نقره روز به روز در برابر پول طلای داخلی و ارز خارجی سقوط می‌کرد و سکه‌های طلائی که در اختیار مردم بود دم به دم به قیمت آن افزوده می‌شد به صندوق خانه‌ها رفت و نقره که به شتاب خاصیت نایابی خود را از دست می‌داد پایه پول ایران قرار گرفت. اولین بار هم شخصی به اسم امین‌السلطان توسط حاجی محمد حسن معروف به کمیائی جد خانواده مهدوی‌های امروز، ماشینی برای ضرابخانه وارد کرده و براه انداخت و در حقیقت ضرابخانه کارخانه پول‌سازی دولت شد. واحد پول ایران در آن زمان تومان بود، عبارت بود از یک اشرفی به وزن سه ربع مثقال طلا، تومان لغت ترکی است به معنی ده هزار و به همین جهت اشرفی را تومانی هم می‌گفتند. تومان به ده قسمت تقسیم می‌شد و پول‌های نقره‌ای به وزن یک مثقال که هر یک از آنها را یک هزار می‌نامیدند که بعدها این سکه‌ها به قران مشهور شد.

در دوره قاجاریه زمان فتحعلیشاه و نوه‌اش ناصرالدین شاه که هر کدام بیش از ۳۰ سال سلطنت کردند و خسرو صاحب قران را هم سر القاب خود افزودند و آغاز سی و یکمین سال سلطنت خود سکه‌هایی با عبارت السلطان صاحبقران ضرب کردند و باعث شد که این سکه‌ها نخست سکه صاحبقران نام گیرد و دست آخر به نام قران خلاصه شود.

در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ برای تعیین واحد پول ایران ریال به جای قران برگزیده شد اما کلمه اخیر از میان نرفته و همچنان مورد استعمال است اگر چه قران لغت بیگانه و عربی است ریال نیز که به جای آن گزیده شد کلمه ایرانی نیست و اسپانیائی است و نخستین بار بیش از ۴۰۰ سال پیش به دستگیری پرتغالی‌ها و اسپانیائی‌ها در ایران شناخته شد. آمد و شد پرتغالی‌ها به کرانه‌های خلیج فارس از زمان شاه اسماعیل آغاز شد و بعد که پرتغال بدست اسپانیائی‌ها افتاد ایران هم با اسپانیا مناسبات بازرگانی داشت. بدین ترتیب در قرن دهم

مختلف تکلم می کنند.

این منطقه در عین حال محل پیدایش مذاهب مهم از جمله زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام؛ و مهد تمدن های امپراطوری های بزرگی چون سومرها، ایلامی، مصری ها، بابلیان و هخامنشیان و... است که جوامع بشری خیلی از پیشرفت ها را مدیون آنان می باشند، بطور مثال کشت و کشاورزی از این منطقه شروع شد و یا خط و کشف و استخراج فلزات و نجوم شناسی از این سرزمین برخاسته اند و در قرون وسطی میراث غنی در زمینه های مختلف از جمله معماری، قالی بافی، سرامیک، موسیقی و شعر و... چنان رشد کرده اند که می توان از آن دوره بعنوان «دوره طلایی تمدن» این منطقه نام برد که در شهرهایی مثل بغداد، قاهره، داماس، صناعا، استانبول، اورشلیم و بخارا، اصفهان، شیراز، شهرری و تبریز... هنوز هم آثار آن دوره باقی است، که بنوبه خود در مقایسه با غرب خیلی پیشرفته بودند.

با شروع تحولات رنسانس و بدنال آن وقوع انقلاب صنعتی در اروپا کفه ترازو بتدریج بطرف غرب سنگین تر می شود و این فرصت را ایجاد می کند که کشورهای اروپایی با اختراع ماشین بخار و کشتی ماجراجوئی هایشان را برای تسلط به سرزمین های ناشناخته شروع نمایند. در این رابطه نیاز به مواد خام و تجارت انگیزه اولیه بودند و بدنال آن جستجوی بازار برای فروش کالا و ترویج و تبلیغ مسیحیت تبدیل به عواملی شدند برای تسخیر و اعمال نفوذ اقتصادی و فرهنگی غرب بر این مناطق. در تعقیب همین انگیزه هاست که کشورهای اروپایی بخصوص انگلستان و فرانسه که بر بقیه پیشی گرفته بودند با حرص و طمع زیاد رقباي دیگر را تا اندازه ای کنار زده و نفوذ خود را در این منطقه افزایش دادند. (تا جنگ جهانی اول این سرزمین ها تحت تسلط امپراطوری عثمانی بود) در واقع کشف و استخراج نفت در اوایل قرن بیستم در خاورمیانه (ایران ۱۹۰۷) نشان داد که این منطقه پر از معادن غنی است بعلاوه اینکه در طول جنگ جهانی اول اهمیت موقعیت استراتژیک خاورمیانه که بر روی سه قاره اروپا، افریقا و آسیا تکیه دارد بخوبی ثابت شد. بدین طریق برای استعمارگران شکی باقی نماند که برای تسلط بر اقتصاد جهانی نباید ارزش و اهمیت طلای سیاه را نادیده گرفت.

از نقطه نظر سیاسی می بایست دولت های دست نشانده ای بر کشورهای مختلف این منطقه منصوب کرد که به منافع آنها احترام گذاشته و اعتراض های داخلی را سرکوب نمایند، البته در نیل به این اهداف انواع و اقسام روش ها و سیاست های استعماری بکار گرفته شد و در حالیکه پس از جنگ جهانی دوم و نفوذ دو استعمار پیر یعنی انگلستان و فرانسه به ضعف گرائید، این دفعه با شروع جنگ سرد منطقه خاورمیانه شاهد رقابت آمریکا و شوروی شد و این دو ابر قدرت، به بهانه های مختلف، با ایجاد درگیری ها و جنگ های متعدد بین اقوام مختلف و یا بین کشورهای خاورمیانه هر کدام سعی داشتند نفوذ و قدرت خود را در این منطقه

پراهمیت که ۶۶٪ از ذخایر نفتی را داراست افزایش دهند. از این تاریخ تا پایان جنگ سرد (۱۹۸۹) در برخی از کشورهای منطقه، گرچه شاهد یکسری توسعه و مدرنیزاسیون دیکته شده در راستای منافع غرب هستیم ولی در کل نتیجه این اصلاحات باعث تشدید بحران های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی این منطقه گشت.

سقوط دیوار برلن و در نتیجه پایان جنگ سرد، دریچه ای را برای شهروندان این منطقه به ارمغان آورد که شاید بزودی از شر رقابت آمریکا و شوروی خلاصی می یابند ولی این دفعه آمریکا تنها قدرت تعیین کننده فرصت طلایی را بدست آورده بود که بدون حضور رقیب بحران و مشکل این منطقه را حل کرده و آنان را بسوی دموکراسی و خوشبختی هدایت کند! ولی این حسن نیت در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با واقعه انفجار برج هایی در نیویورک نقش بر آب شد و جنگ سرد دیگری، این دفعه بین جهان اسلام و مسیحیت به سرکردگی آمریکا شروع شد و تحت لوای جنگ های پیشگیرانه حمله به افغانستان و سپس عراق، تنش بین دنیای اسلام و مسیحیت را تقویت نمود بطوریکه در دوره ریاست جمهوری بوش، احساسات ضدآمریکائی در این منطقه به اوج خود رسید. با پیروزی اوباما به ریاست جمهوری آمریکا و صحبت تاریخی او در مصر دوباره نور امید به تحولات، در دل جوانان منطقه روشن گردید. از جو ضد آمریکائی تا اندازه ای کاسته شد ولی به دلایل مختلف او نیز در برقراری صلح بخصوص سر مسئله اسرائیل و فلسطین عاجز ماند. ثبات نسبی آنچنان که انتظار می رفت در عراق و افغانستان ایجاد نشد. با وجود این او حداقل وانمود می کند که خواهان تغییر و تحول در خاورمیانه است.

بطور کلی مشکلات اساسی، کشورهای مختلف این منطقه، در دیکتاتوری و سرکوب و اختناق است. رژیم هایی که حکومت می کنند نتوانسته اند خودشان را با تحولات دو سه دهه گذشته وفق داده و اصلاحات لازم را پیاده کنند در حالیکه مردم، بخصوص جوانان با استفاده از دست آوردهای تکنولوژی مدرن اطلاعات و آگاهی شان بالا رفته و به آسانی در جریان رخداد های داخل و خارج هستند. از طرف دیگر بی عدالتی در توزیع ثروت، فساد سیستم اداری، گرانی و تورم و بالاخره بیکاری قشر تحصیل کرده که از حداقل حقوق شهروندی محرومند در مقابل فرزندان حکومتگران و یک عده قلیل از امکانات زیاد برخوردارند و در دانشگاه های آمریکا و اروپا تحصیل می کنند.

حال با سقوط دیکتاتورها، آیا سیستم دیکتاتوری نیز از بین خواهد رفت تا این جوانان به مدینه فاضله شان دست یابند؟! مسلماً آینده نزدیک قضاوت خواهد کرد. از طرف دیگر نباید از نظر دور داشت که خاورمیانه منطقه ای نیست که کشورهای ذینفع به سادگی به حال خود رها کنند. هر نوع تهدید بر علیه اسرائیل و صدور نفت با عکس العمل قدرت های بزرگ مواجه خواهد بود.

صبح اتومبیل ها می توانند در کلیه مناطق ۲۰ گانه پاریس روی محل پارک مخصوص Livraison که دارای تابلو Zone de livraison Partagée هستند توقف کنند. فراموش نکنید که اگر محل Livraison دارای تابلو Zone de livraison non Partagée بود پارک کردن حتی در شب ممنوع می باشد.

C.M.A.P. N° 30 C.G.T N° 683

فرشید

XXXXXXXXXX

نوروزتان پیروز بهارتان شکوفان باد

انجمن تاکسیران سال نو ۱۳۹۰ را جشن می گیرد و سال خوبی را برای شما آروز می کند. به همین مناسبت جشن باشکوهی روز سه شنبه ۲۲ مارس ۲۰۱۱ از ساعت ۲۰ الی بامداد برگزار می کند. مکان:

Restaurant JET SET: 14 rue Washington 75008 Paris

زمان: Mardi 22 Mars 2011 à 20 h à l'aube

TEL : 06 .65. 04 .44 .01

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

سومین جلسه عمومی انجمن تاکسیران در سال ۲۰۱۱، دوشنبه ۷ مارس ساعت ۱۹:۳۰ در رستوران الهام در برگیرنده مطالب زیر می باشند.
- سخن هیئت مدیره
- بررسی و ارائه بلیط جشن نوروز
- گزارش حسابداری ۳ ماهه اول سال ۲۰۱۱
- تجزیه و تحلیل ماهنامه انجمن
- حضور نماینده شرکت COYOTE و توضیحات در باره رادارهای ثابت و متحرک
- بحث آزاد

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۳۰ در رستوران الهام برگزار می گردد. Chez - Elham , 11 , Rue de la REYNIE 75004 Paris - Métro :Chatelet - Les - Halles حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می باشد.

با این وصف کلی از تاریخچه خاورمیانه و با توجه با تجربیات انقلابات گذشته ثابت شده که زیربنای دموکراسی چیزی نیست که یک شبه بنا شود بلکه تلاش و صبر و مقاومت و مبارزه طولانی می طلبد. پیش بسوی خاورمیانه بایات و دموکراتیک!

رسول

XXXXXXXXXX

MOTO - TAXI

در پی فعالیت های پرثمر سندیکاهای تاکسی و بخصوص CGT و FNT در نهایت دولت فرانسه تصمیم گرفت که حمل و نقل مسافرین از طریق موتور را تحت قاعده و قانون در بیاورد که این قوانین در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۱۰ تحت شماره Décret N°:2010-1223 مورد تصویب قرار گرفت و از تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۱ به شرح زیر قابل اجرا می باشد. توضیح اینکه تقریباً این قوانین مشابه با قوانین تاکسی در پاریس می باشند، یعنی تمامی کسانی که می خواهند با موتور، مسافر حمل و نقل کنند باید:

- ۱ - دارای گواهینامه رانندگی A با دو سال سابقه
- ۲ - نداشتن عدم سوء پیشینه
- ۳ - معاینه پزشکی
- ۴ - عمر موتور باید کمتر از ۴ سال و دارای کنترل تکنیک سالانه باشد.
- ۵ - در روی موتور باید علائم و برچسب هایی باشد که نشان دهد این وسیله نقلیه برای حمل و نقل مسافر می باشد.
- ۶ - ثبت نام اجباری در C.M.A.P. Chambres de Métiers و در صورت دارا بودن تمامی شرایط بالا Préfecture de Police برای متقاضیان کارت حرفه ای Carte Professionnelle شروع کار صادر می کند.

CG.T : N°: 683

یادآوری

طبق قانون ۲۶/۱۱ بتاریخ ۳۱ ژوئیه سال ۲۰۰۱، Préfecture de Police de Paris رانندگان تاکسی پاریس (در مناطق تحت شارژ تاکسی های پاریس) یعنی در شهر پاریس و حومه، فقط حق دارند در هنگام Coupure و با تاکسی خود را در یک سوم آخر ایستگاه های تاکسی پارک کنند. بجز Coupure در مواردی که بطور ناگهانی حال جسمانی راننده تاکسی بد شود و یا اینکه مشکل مکانیکی برای ماشین ایجاد شود، نیز می توانیم در ایستگاه های تاکسی توقف کنیم. در نتیجه هنگامی که تاکسی خارج از سرویس است نمی تواند در ایستگاه های تاکسی در پاریس و حومه پارک کند.

ناگفته نماند که بالاخره پس از کوشش های بسیار فعالیت چشمگیر CMAP Chambre de metiers et de l'Artisanant de Paris و با همکاری مسئولین شهرداری پاریس موافقت شد که از اول ماه دسامبر سال ۲۰۱۰ از ساعت ۲۰ شب تا ۷